

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

انجینر محمد هاشم رائق
۰۳ جون ۲۰۱۹

پاداش مادر

عجب رنگین بود این زندگانی	به رنگ باغ و بوستان خزانی
که یک رنگش بدیگر برنخواند	چو روزی بگذرد دیگر نیاید
اگر آید نباشد به مثل دیروز	شبی بگذشته و آید دیگر روز
ز روز و روزگاران زمانه	بماند کرده ها از ما نشانه
ببندد نقش بر اذهان و افکار	تمام خوب و بد، پندار و گفتار
هزاران قصه های ناب و رنگین	به یاد مانده ز روزگاران پشین
چنان گویند که بوده دو برادر	برادری بود با هم برابر
یکی خودخواه و خودبین و چالاک	دیگر یک آدم مغرور و بیباک
پدر رفته ازین دنیا به حرمت	به جا مانده ز خود اموال و ثروت
بود مادر زیون و زار و نالان	زمرگ همسرش دایم به گریان
ز فرزندان دلی آزرده دارد	وجود خسته و افسرده دارد
بود همراز او یکدانه طوطی	که راز دل کنند باهم خصوصی
شدند ناساز می هر دو برادر	خیال مال میراث بوده بر سر
به آخر هر چه بود تقسیم کردند	زمین و باغ و ملک را نیم کردند
سخن آمد سرطوطی و مادر	کدامش از تو باشد ای برادر
بگفتا مادرم پیرو زهیر است	و طفلانم همه خورد و صغیر است
نسازد بر محیط خانه من	به هم باشد نظام لانه من
ندارد خانم من طاقت کار	کند خدمت به شخصی پیر و بیمار

به من طوطی بده که شوخ و شنگ است

سخندان و سخن گوی و قشنگ است

رائق امریکا